

## Jurisprudential Rules about Narcotics Emphasizing on Drug Trafficking<sup>1</sup>

### Mohammad Reza Momeni

Ph.D., Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. [mr.momeni@yahoo.com](mailto:mr.momeni@yahoo.com)

### Ahmad Moradkhani

Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran (**Corresponding author**). [ah.mor@iau.ac.ir](mailto:ah.mor@iau.ac.ir)

### Abstract

The purpose of the present study is to review jurisprudential rules about narcotics with an emphasis on drug trafficking. In this regard, using a descriptive-analytic method, the article deals with the definition of narcotics and why its consumption is banned in jurisprudence. Besides, obligation and situational rules in this term with respect to the verses and traditions as well as rational and jurisprudential principles are discussed. This research is approved with respect to rational and narrative reasons as well as jurisprudential principles such as *lā-Zerār*, illegitimacy of production, consumption, and smuggling of narcotics and also nullifies consumption of the obtained money. The major cause for the illegitimacy of narcotics derives from jurisprudential principles such as *lā-Zerār* although its foundation is different among the jurists. The criticisms and arguments mentioned by some jurists about the above reasons do not damage the principle of proving illegitimacy and order of situational rules.

**Keywords:** Drug Trafficking, Jurisprudential Rules, Obligation Rule, Situational Rules.

---

<sup>1</sup> Received: ۲۰۲۱-۰۴-۱۴; Revised: ۲۰۲۱-۰۵-۲۳; Accepted: ۲۰۲۱-۰۶-۱۵; Published online: ۲۰۲۲-۱۲-۲۲

Article type: Research Article

Publisher: Qom Islamic Azad University

© the author(s)



## احکام فقهی مواد مخدر با تاکید بر قاچاق آن<sup>۲</sup>

محمد رضا مومنی

دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. [mr.momeni@yahoo.com](mailto:mr.momeni@yahoo.com)

احمد مرادخانی

دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول). [ah.mor@iau.ac.ir](mailto:ah.mor@iau.ac.ir)

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی احکام فقهی مواد مخدر با تاکید بر قاچاق آن است. در این راستا، با روش توصیفی-تحلیلی، به تعریف مواد مخدر و علت ممنوعیت مصرف آن در فقه و بیان حکم تکلیفی و وضعی آن با اشاره به آیات و روایات و بنای عقلاء و قواعد فقهی پرداخته شده است. این پژوهش با توجه به دلایل عقلی و نقلی و نیز قواعد فقهی همچون قاعده لاضرر و دیگر قواعد فقهی، حرمت تولید، مصرف و قاچاق مواد مخدر ثابت گردید و تصرف در اموال حاصل از آن را اکل به باطل می‌داند. عمده دلیل بر حرمت مواد مخدر، تمسک به قواعد فقهی همچون قاعده لاضرر است؛ گرچه مبانی آن در بین فقها مختلف است. اشکال و نقد برخی از ادله ذکر شده توسط برخی از فقها، لطمه‌ای به اصل اثبات حرمت و ترتب برخی از احکام وضعی نگردید.

**کلیدواژه‌ها:** قاچاق، مواد مخدر، احکام فقهی، حکم تکلیفی، حکم وضعی.

<sup>۲</sup> پژوهش حاضر برگرفته از: رساله دکتری با عنوان: قاچاق، مصادیق و احکام بوده و در سال ۱۴۰۰ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم ارائه شده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰-۰۱-۲۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰-۰۳-۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰-۰۳-۲۶؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۱-۱۰-۰۱

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

© نویسندگان.



**مقدمه**

در قرن معاصر، بحث مواد مخدر به خصوص قاجاق آن، یکی از مباحث مستحدثه فقهی است که در زمینه مختلف مطرح می‌شود. هرچند اصل استفاده از مواد به عنوان دارو یا ابزاری برای بی‌هوش کردن و مانند آن از مسائل مستحدثه شمرده نمی‌شود؛ ولی مصرف این مواد به شکل امروزی با مسائل پیچیده آن، در گذشته مطرح و محقق نبوده و دو موضوع اعتیاد و قاجاق مواد مخدر به شکل امروزی، وجود نداشته است. علاوه بر اینکه بحث اقتصادی خرید و فروش و سوداگری از این مسیر و همچنین جنبه سیاسی پیدا کردن توسعه مصرف آن در کشورهای هدف، بر مستحدث بودن و اهمیت آن افزوده است. به خصوص در ایران، بعد از انقلاب اسلامی این امر حساسیت ویژه‌ای پیدا نموده است؛ زیرا ایران به عنوان یکی از گذرگاه‌های ترانزیت آن از شرق به غرب محسوب شده، و از طرفی هدف قرار گرفتن ایران به منظور از بین بردن نسل جوان انقلابی، از طریق گسترش استفاده از مواد مخدر، بر اهمیت این امر افزوده است.

قاجاق کالا و مواد مخدر از مهم‌ترین تهدیداتی است که کشورها عموماً با آن مواجه هستند و از این نظر، امنیت کشورها از ابعاد مختلف سیاسی - نظامی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و بهداشتی، دچار آسیب‌های جدی می‌شود (مولایی و برزگر، ۱۳۹۴، ص ۳۶). از این رو، بررسی فقهی از جهت حکم تکلیفی و وضعی مواد مخدر در مراحل مختلف، همچون تولید - اعم از زراعت و فرایند عمل آوری مواد مخدر - نگهداری، حمل و نقل، توزیع و فروش، مصرف و استعمال، ایجاد مراکز و مکان استعمال، ارائه خدمات و ابزار برای سهولت تولید، درآمد و سرمایه‌های حاصله از هر یک از مراحل تولید تا مصرف، کسب خبر و ارائه اطلاعات، مبارزه، درمان و ترک، و همچنین احکام کیفری آن در فقه و حقوق ایران، نیازمند بررسی ادله عام و خاص آن است که در این مختصر، به آن پرداخته می‌شود.

**مواد مخدر و قاجاق آن**

در مورد تعریف مواد مخدر در فرهنگ معین به این صورت آمده است: آنچه که تولید رخوت و سستی اعصاب کند (معین، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۳۹۴۱). در تعریف دیگر آمده، تمام انواع موادی است که مخدر، محرک، توهم‌زا و سستی‌آور باشد و آثار جسمی و روحی مورد منع شارع را به دنبال دارد و پس از یک یا چند بار مصرف، موجب اعتیاد گردد؛ که عمدتاً تریاک و مشتقات آن، حشیش، ماری جوانا و مشتقات آن، کوکائین، همچنین مواد مخدر مصنوعی را شامل می‌شود. این مواد و مشتقات آنها در پزشکی امروز یا مطلقاً کاربرد ندارد، یا اگر مصرف پزشکی دارد، مانند مرفین، مورد سوء مصرف بسیار زیاد قرار می‌گیرد. بنابراین، به نظر می‌رسد نمی‌توان فایده عقلایی عامی را برای آنها قایل شد و این در حالی است که ضرر و آثار سوء فردی و اجتماعی آن بر احدی پوشیده نیست (اسعدی، ۱۳۷۲، ص ۴۵)؛ حتی آثار سوء فیزیکی و روانی آن که باعث زوال عقل و سستی اراده می‌شود، تا حدی که مصرف‌کننده این گونه مواد، مرتکب جنایاتی از قبیل دزدی، تجاوز به عنف، قتل، کلاهبرداری، شکستن حریم خانواده و... می‌گردد. مواد مخدر به دو گروه عمده و کلی تقسیم می‌شود؛ مواد مخدر طبیعی که منشأ گیاهی دارند، مثل تریاک، حشیش و...؛ و مواد مخدر صنعتی و شیمیایی، مثل شیشه و ...

**حکم تکلیفی و وضعی**

همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، اصل بحث از مواد مخدر از مسائل مستحدثه نیست؛ زیرا در کتاب‌های فقه‌های متقدم و متأخر و همچنین معاصرین، در رابطه با مواد افیونی مطالب طرح و به برخی احکام آن اشاره شده است؛ اما توسعه اهداف مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و شیوه‌های جدید در مراحل مختلف مواد، به آن تازگی بخشیده است، به گونه‌ای که آن را داخل مسائل جدید قرار داده است. به خصوص با تشکیل حکومت اسلامی بر اساس فقه شیعه، بر اهمیت و ضرورت مباحث مرتبط با مواد مخدر در سطح احکام حکومتی افزوده شده است. شیخ مفید در «المقنعه» و به دنبال وی فقه‌های دیگر در ابواب حد سرقت یا حد محارب این مباحث را طرح نموده‌اند. شیخ مفید می‌فرماید: «من بنج غیره او اسکره بشیء احتال علیه فی شربه او اکلہ ثم اخذ ماله عوقب علی ذلک بما یراه الامام من التعزیر و استرجع منه ما اخذه لصاحبه؛ هرکسی دیگری را بی‌هوش و مست کند (به وسیله مواد مخدر) یا به چیزی (غیر مواد مخدر) مست گرداند یا در شرب و غذای او حيله کند و از این طریق مال او را بگیرد، بر چنین عملی به مقداری که حاکم صلاح بداند معاقبه و تعزیر می‌شود و آن مال به صاحبش بازگردانده می‌شود» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۸۰۵). شیخ طوسی نیز در «النهايه» عبارت بسیار نزدیک به همین عبارت را آورده و در ادامه اضافه نموده است: «فان جنی البنج او الاسکار علیه جنایه کان المبنج ضامنا لما جناه؛ و اگر به واسطه مواد مخدر و مستی جنایتی مرتکب شود، کسی که این مواد را به او خورانده ضامن خواهد بود» (طوسی، ۱۴۰۰ق، ج ۷، ص ۷۲۱). عین همین فتوا را ابن البراج در «المهذب» (ابن البراج، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۴۰)، ابن ادریس الحلّی در «السرائر» (ابن ادریس حلّی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۵۱۱)، یحیی بن سعید الحلّی در «الجامع للشرایع» (ابن سعید حلّی، ۱۴۰۵ق، ص ۵۶۴)، علامه حلّی در «تحریر الاحکام» (حلّی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۳۸۳) و بسیاری از فقه‌های دیگر مطرح کرده‌اند.

در رابطه با احکام مواد مخدر، گروهی از فقها، خود مواد مخدر را به عنوان موضوعی مستقل و یکی از سمومی که فاقد فایده عقلایی است، حرام دانسته‌اند. برخی همانند شیخ طوسی -چنانکه گذشت- آن را به مسکرات ملحق نموده و از باب عامل تحقق جرمی چون سرقت، حکم به حرمت آن داده است. چنان‌که عده‌ای دیگر، آثار شخصی و اجتماعی مواد مخدر را مد نظر قرار داده و از باب ضرر شخصی و اضرار اجتماعی درباره آن حکم کرده و فتوی داده‌اند (سلیمانپور، ۱۳۸۲، ص ۳۴). در هر صورت می‌توان هر یک از موضوعات فوق را از مصادیق و صغریات یک یا چند قاعده فقهی مانند قاعده لاضرر، نفی سبیل، اعلت بر اثم، غرور و مانند آن تلقی نمود و از طریق تطبیق این قواعد، حکم وضعی و تکلیفی موضوعات فوق را استنباط نمود. در خصوص جنبه کیفری و مجازات‌های ارتکاب جرائم مربوط به مواد مخدر براساس همین قواعد فقهیه، علاوه بر تنقیح مناط حکم حدی مفسد فی الارض، در خصوص برخی از موارد و جرائم مرتبط با مواد مخدر و اعمال آن مجازات، جمیع آنها را از باب تعزیرات شرعی و حکومتی دانست و به تناسب اوضاع، مصالح اجتماعی، شرایط خاص شخصی و خانوادگی مرتکب و به لحاظ اثرگذاری و اثرپذیری شخص مجرم از طریق نوع مجازات، میزان و کیفیت مجازات را مشخص کرد.

نکته‌ای که باید مورد توجه قرار داد این است، که برخی از احکام حرمت مانند خرید و فروش، حمل و نقل و قاچاق، متوقف بر حرمت مصرف و استعمال مواد مخدر است. گرچه فرض حرمت قاچاق شیئی ممکن است متوقف بر حرمت مصرف آن شیء نباشد، بلکه به دلایل دیگری مثل کمبود آن کالا داخل کشور یا امور دیگر قاچاقش حرام باشد؛ ولی در رابطه با مواد مخدر با توجه به ادله‌ای که ذکر می‌شود، حرمتش به علت حرمت استعمال آن است.

### آیات

**یکم:** «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِنَاسٍ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا؛ از تو درباره شراب و قمار می‌پرسند بگو در آنها گناهی بزرگ و منافی برای مردم است؛ ولی گناه آنها از منافعشان بیشتر است» (بقره، ۲۱۹). براساس آیه شریفه، مواد مخدر از جهت ملاک (سکر و زوال عقل) به مشروبات الکلی ملحق می‌شود؛ لذا در حکم هم مانند آن حرام خواهد بود (انصاری و جمشیدی، ۱۳۹۲، ص ۷۲). استدلال به آیه و مقایسه مخدرات به مسکرات، هم حرمت شرب و مصرف آن را و همچنین خرید و فروش و قاچاق آن را به عنوان حکم تکلیفی بیان می‌کند. علاوه بر آن، برخی از احکام وضعی مانند عدم مالکیت آن و کسب حاصل از خرید و فروش یا حتی نجاست مواد همانند خمر نیز مطرح است.

**نقد:** اولاً الحاق مواد از جهت موضوعی صحیح نیست؛ زیرا مواد مخدر با مشروبات دو عنوان مختلف است و موضوعاً با یکدیگر فرق دارند و حتی در صورت اثبات حرمت، تسری حکم وضعی مانند نجاست نیاز به دلیل دارد و ثانیاً تنقیح مناط و استنتاج اینکه هر مسکری حرام باشد، به قیاس شبیه‌تر است؛ لذا تسری حکم جایز نیست.

**دوم:** «يا ايها الذين آمنوا لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل؛ ای اهل ایمان مال یکدیگر را به ناحق نخورید» (بقره، ۱۸۸). به این آیه بر حرمت خرید و فروش مواد، استدلال شده است، از باب اینکه خرید و فروش اجناسی که فایده منطقی و عقلانی در آن نباشد و وسایل فساد و گناه باشد، حرام است. اگر در روایات متعددی کلمه باطل به قمار، ربا و مانند آن تفسیر شده، در حقیقت معرفی مصداق‌های روشن این کلمه است نه آن که منحصر به آن‌ها باشد. لذا با توجه به اینکه باطل شامل مواد مخدر می‌شود، می‌توان حرمت خرید و فروش آن را استفاده نمود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۴۱). به نظر می‌رسد با توجه به دلیل عقلی و برخی قواعد فقهی که خواهد آمد، استدلال صحیح باشد و حرمت و عدم مالکیت اموال حاصل از فروش آن به عنوان حکم وضعی قابل اثبات است. به خصوص قاچاق آن به علت مفسده بیشتر و نهی حکومتی به طریق اولی، حرام است.

**سوم:** آیه «وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ؛ و بر آنان هر طعام پاکیزه و مطبوع را حلال و هر پلید منفور را حرام می‌گرداند» (اعراف، ۱۵۷). طبق آیه شریفه، محتوای دعوت پیامبر با فطرت سلیم هم‌آهنگ است؛ زیرا طیبات و آنچه را طبع سلیم می‌پسندد، برای آن‌ها حلال می‌شمرد و آنچه خبیث و تفرآمیز باشد را بر آنها تحریم می‌کند. بی‌تردید با توجه به مضرات فردی و اجتماعی، مواد مخدر جزء طیبات و مباحات نبوده و از مصادیق خبیثات است؛ زیرا ضررهای ناشی از آن بر همگان آشکار است و انسان‌ها را در غل و زنجیر حقارت‌ها ننگ می‌دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۴۷۰).

این آیه نیز با توجه به مضرات فراوان مواد مخدر بر حرمت دلالت دارد. هر چند برخی از مواد از جهت اطلاق خبیث و موجب تنفر بودنشان محل تأمل است؛ زیرا نوعاً تنفر مطرح شده، با توجه به مضرات آن است، نه فی نفسه.

**چهارم):** آیه «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ... يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ از مال خود در راه خدا انفاق کنید. (لیکن نه به حد اسراف) و خود را به مهلکه (خطر بیچارگی) نیفکنید و نیکوئی کنید؛ زیرا خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد» (بقره، ۱۹۵). استدلال به آیه با توجه به اثرات بد و زیان‌های مواد مخدر است و مصرف آن در حقیقت خوردن سم خطرناکی است که به تدریج وارد بدن شده و در نهایت به هلاکت و نابودی شخص یا ضرر و زیان شدید منجر می‌شود؛ لذا از باب مصداق هلاکت حرام بوده است و باید از آن اجتناب کرد و آیه شریفه اطلاق دارد و مقصود نهی از ارتکاب هر عملی است که موجب هلاکت و نابودی انسان شود (طباطبایی، بی تا، ج ۱، ص ۶۴).

**نقد و بررسی:** مراد از هلاکت در عرف، مرگ و هر چه در حد مرگ و نابودی است، لذا هر چیزی که سبب هلاکت و از بین رفتن شود یا خطر و لطمه شدید ایجاد کند، مانند ایجاد جراحت شدید ولو منجر به مرگ نشود، مورد نهی و حرام خواهد بود. بنابراین، در رابطه مواد مخدر شاید بتوان گفت که خود مواد به تنهایی موجب چنین امری نیست؛ بلکه با ضمیمه شدن امور دیگر مثل اعتیاد و فقر حاصل از آن که منجر به ضعف جسمی شدید در استمرار استفاده از آن یا قبح اجتماعی آن، تهلکه بر آن صدق می‌کند؛ در غیر این صورت نمی‌توان آن را مصداق هلاکت منهی قرار داد. اما همان‌گونه که در عرف بیان می‌شود، چون در غالب موارد استفاده از مواد مخدر اعتیادآور بوده و در دراز مدت موجب تحقق مرگ یا ضرر شدید می‌شود، حرام خواهد بود. چنان‌که شهید صدر از آن به تحقق اسم تدریجی تهلکه یاد می‌کند (صدر، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۲۳۹)؛ ولکن در چنین حالتی، باز اعتیاد و دیگر امور ملحق به آن به عنوان علت اخیر، موجب تحقق عنوان می‌شود و عمده دلیل آن، ایجاد ضرر شدید است که دفع آن واجب می‌شود؛ در غیر این صورت، استدلال قابل خدشه است.

## روایات

در روایات وارده از اهل البیت (ع) احادیثی را می‌توان یافت که به عنوان دلیل حرمت مواد مخدر ذکر شده است؛ مانند روایاتی که مرحوم محدث نوری در کتاب «مستدرک الوسائل» از «روضات جنات» از کتاب «قبایح الخمر» غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی نقل نموده است:

۱. عن رسول الله (ص) انه قال: «سیاتی زمان علی امتی یاکلون شیئاً أسمه البنج، انا بری ومنهم وهم برئیون منی؛ بزودی زمانی بر امت من می‌رسد که چیزی به نام بنج را می‌خورند، من از آنان و آنان از من بیزار هستند».
۲. قال (ص): «سلموا علی اليهود والنصارى ولا تسلموا علی آکل البنج؛ به یهود و نصاری سلام کنید، ولی به خورنده بنج سلام نکنید».

۳. قال (ص) «من اکل البنج فکانما هرم الکعبه سبعین مره وکانما قتل سبعین ملکاً مقرباً وکانما قتل سبعین نبیاً...؛ هرکس بنج استفاده کند، انگار هفتاد مرتبه خانه خدا را خراب کرده، انگار هفتاد ملک مقرب را کشته و انگار هفتاد پیامبر را کشته است و...» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷، ص ۸۵). تمام روایات مرسله هستند (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۵۶۲).

۴. عَنِ الصَّادِقِ (ع): «ما كان عن صنوف البقول مما فيه المضرّة على الانسان من أكله نَظير بقول السّموم القاتله ونظير الدفلى وغير ذلك من صنوف السّم القاتل فحرام أكله؛ از امام صادق (ع): آنچه از سبزی‌ها و گیاهانی که در خوردن آن برای انسان ضرر دارد مانند گیاهان سمی کشنده و خرزهره و مشابه آن، از صنف مسموم کشنده، خوردنش حرام است» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۵، ص ۸۴).

۵. عن فقه الرضا (ع) «اعلم یرحمک الله، ان الله تعالی لایح اکلًا ولا شربًا الا لما فيه المنفعة والصلاح ولم یحرّم الا ما فيه الضرر والتلف و الفساد فکل نافع مقو للجسم وفيه قوة للبدن فحلال وکل مضر یذهب بالقوة أو قاتل فحرام، مثل السّموم والمیته والدم...؛ بدان خداوند که تو را رحمت کند، هیچ خوردنی و نوشیدنی را مباح نکرد، مگر اینکه در آن نفع و مصلحتی بود و هیچ چیزی را حرام اعلام ننمود، مگر اینکه در آن زیان و نابودی و فساد بود. پس هر چیزی که در آن نفع و قوت جسم و قوت بدن است حلال است؛ و هر چیز زیان‌آوری که نیرو و قدرت را از بین ببرد یا کشنده باشد حرام است، مثل سم‌ها و گوشت حیوان خود مرده و خون» (امام رضا (ع)، ۱۴۰۶ق، ص ۲۵۴). در این روایت اگرچه در ابتدا خوردن و نوشیدن مطرح شده، ولی مفهوم کل مطلب استفاده یک قاعده کلی برای تحریم بعضی اشیاء است و آن ضرر داشتن آن است.

۶. قال الصادق (ع): «كلما أضرّ به الصوم فالإفطار له واجب» در حدیث مرسله‌ای از معصوم (ع) نقل شده است، که «هرگاه روزه به انسان زیان برساند پس افطار واجب است» (موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۶، ص ۱۵۶). مستفاد از روایت این است که اضرار به نفس حرام است، در غیر اینصورت افطار واجب نبود. لذا، واجبات الهی هنگامی که برای بدن ضرر داشته باشد، حرام می‌شود، در غیر واجبات به طریق اولی، حرام خواهد بود.

### نقد روایات:

۱. تمام روایات ذکر شده از جهت سندی ضعیف هستند؛ زیرا مرسله هستند.
۲. ملاکی که در روایات ذکر شده مضر بودن به جان است که دلالت بر تعبدی بودن حکم نیست؛ بلکه دلالت بر ارشادی بودن حکم است؛ یعنی دلیل اصلی یک امر عقلی است که هر چیزی که برای بدن ضرر داشته باشد و باعث بهم خوردن مزاج گردد، حرام خواهد بود که مرجع تشخیص آن یا تجربه و حصول یقین برای فرد است، یا اطمینان و ظن نوعی قوی، یا عرف است.
۳. در عبادات دلیل خاص وجود دارد که نه تنها یقین و ظن قوی موجب حرمت است؛ بلکه احتمال و خوف ضرر هم موجب حرمت و عدم وجوب می‌گردد.

### حکم عقل و بنای عقلاء

یکم) حکم عقل: فقهاء حکم عقل را به صورت مختلف بیان نموده‌اند؛ برخی گفته‌اند: احکام شریعت به منظور حفظ مصالح فردی و اجتماعی وضع شده است، مصالحی که مواد مخدر آن را به شدت مورد تهدید قرار می‌دهد و موجب ورود لطمات فراوانی به آنها می‌شود.

مصلحت عقل، مصلحت مال، مصلحت نفس، مصلحت عرض و مصلحت دین، از مصالحی هستند که هدف شارع، حمایت از آنها است و جعل همه احکام اعم از الزامی و غیر الزامی برای حفظ و رعایت آنها و جلوگیری از لطمه خوردن آنهاست (اصفهان‌ای (فاضل هندی)، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۶۵). با توجه به مصالح یاد شده، مواد مخدر به تمام آنها لطمه زده و بر همین اساس، عقل و عقلاء آن را جایز نمی‌دانند. شهید صدر در تقسیم قضایا و احکام عقلی می‌فرماید: حکم عقل دو گونه است: «احدهما قضایا تشکل عناصر مشترکه فی علمیه الاستنباط ... و الاخر قضایا مرتبط باحکام شرعیه معینه کحکم العقل بحرمة المخدر قیاسا له علی الخمر لوجود صفة مشترکه و هی اذهاب الشعور (صدر، ۱۹۸۰م، ج ۲، ص ۹۶). شهید صدر بیان می‌دارند که یکی از آن احکام عقلی عبارت است از قضایایی که قواعد مشترکی را برای استنباط حکم شرعی ایجاد می‌کند و گونه دوم قضایای عقلی که به حکم شرعی مشخصی مرتبط است مانند حکم عقل به حرمت مواد مخدر؛ علاوه بر آن، ایشان قایل هستند که عقل از باب قیاس مواد مخدر به خمر، حکم به حرمت آن می‌کند، زیرا علت منصوصه حرمت خمر، ذهاب عقل و شعور است و این علت در مواد مخدر به طور یقینی وجود دارد؛ ولی ایشان در مباحث فقهی قیاس مواد را به مسکرات جایز نمی‌داند (صدر، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۲۳۹).

برخی دیگر حکم به حرمت مواد مخدر کرده، اما نه از باب قیاس به خمر، بلکه آن را موضوعی مسکر دانسته‌اند و از آنجا که در شرع اسلام، حرمت استعمال مسکرات امری مسلم است، حرمت مصرف مواد مخدر را مسلم دانسته‌اند. اما باید بررسی شود که آیا واقعاً مواد مخدر از مسکرات است و عین احکام تکلیفی، وضعی و احکام جزائی مسکر را دارد؟ قائلان به این قول اعتقاد دارند که فرآورده‌های حشیش و تریاک که مورد سوء مصرف قرار می‌گیرند، به طور قطع از مسکرات هستند؛ زیرا برای مدت زمانی عقل را زایل می‌کند و انسان را به مرحله حیوانی و بی‌خودی ساقط می‌نماید. اما چنان‌که در تحلیل آیه بیان شد، با توجه به اینکه اکثر فقها فارق و مایز بین مسکر و مواد مخدر را عرف دانسته‌اند، ملاک در تشخیص مسکر از غیر مسکر و خمر از غیر خمر، عرف است. در نظر عرف نمی‌توان مواد مخدر را عین مسکر دانست تا احکام مختلف آن را بر مواد مخدر بار نمود (طوسی، ۱۴۰۰ق، ج ۷، ص ۹۶). در عین حال، با نظر به روایات حرمت خمر و مسکرات، و فلسفه و علت حرمتی که برای آنها بیان شده است، شاید بتوان از باب تنقیح مناط، حکم حرمت خمر و مسکرات را به مواد مخدر سرایت داد؛ زیرا تمام علت و فلسفه حرمت خمر را که در روایات صحیح آمده است، امروزه به روشنی در استعمال مواد مخدر می‌یابیم؛ که در ادامه به چند نمونه آن اشاره می‌شود:

صدوق در کتاب «علل الشرایع» در باب علت تحریم خمر چند روایت آورده است:

۱. «حدثنا محمد بن موسی بن المتوکل رحمه الله قال: حدثنا علی بن الحسین السعد آبادی قال: حدثنا احمد بن محمد بن خالد عن ابیه عن محمد بن سنان، قال: سمعت ابا الحسن علی بن موسی بن جعفر (ع) يقول: حرم الله عز وجل الخمر لما فیها من الفساد و من تغییرها عقول شاربیهها و حملها اياهم علی انکار الله عزوجل و الفریة علیه و علی رسله و سائر ما یکون منهم من الفساد و القتل و القذف و الزنا و قلة الاحتجاج عن شیء من المحارم فبذلک قضینا علی کل مسکر من الاشریة انه حرام محرّم لانه یاتی من عاقبته ما یاتی من عاقبة الخمر ...»



محمد بن سنان می‌گوید از امام رضا (ع) شنیدم که خداوند عزوجل خمر را حرام کرد؛ زیرا در آن فساد است و عقل شرب‌کنندگان آن تغییر می‌کند و آن‌ها را به انکار خدا و نسبت نادرست به او و فرستادگان او وامی‌دارد و همچنین سایر مفسد مانند قتل، قذف، زنا، و کم‌تر او را از محارم باز می‌دارد. و به همین علت حکم کردیم که هر مسکری از اشریه حرام است؛ زیرا هر نتیجه‌ای که خمر به دنبال دارد، این هم به دنبال دارد...» (صدوق، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۴۷۶).

۲. «حدثنا محمد بن علی ما جیلویه عن عمه محمد بن ابی القاسم عن محمد بن علی الکوفی عن عبدالرحمن بن سالم عن المفضل بن عمر، قال: قلت لابی عبدالله (ع): لم حرم الله الخمر، قال: حرم الله الخمر لفعالها و فسادها لان مدمن الخمر تورثه الارتعاش و تذهب بنوره و تهدم مروته تحمله علی ان یجترء علی ارتکاب المحارم و سفک الدماء و رکوب الزنا و لایؤمن اذا سکر ان یشب علی حرمه و لایعقل ذلک و لایزید شاربها الا کل شر» (صدوق، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۴۷۶). در این روایت نیز، ضررهای جسمی همچون رعشه گرفتن، از بین رفتن نور ایمان، تحریک به کارهای زشت و حرام را از علل حرمت، ذکر نموده است. علاوه بر آن، این روایت بیان می‌کند که شارب خمر، به جز افزایش شر هیچ کاری ندارد.

**دوم)** سیره و بنای عقلاء: مرحوم شهید صدر از جمله ادله ذکر شده توسط فقها، بر اثبات حرمت مواد مخدر را سیره عقلایی بیان می‌کند؛ ولی خود ایشان آن را به چند دلیل رد می‌نمایند. ایشان می‌فرمایند: اولاً چنین سیره‌ای موجود نیست؛ بلکه سیره برخلاف آن است؛ زیرا قرن‌ها از این مواد استفاده می‌شود و هیچ رادع عقلایی برای آن یافت نمی‌شود. ثانیاً اگر موجود هم باشد، دلالت بر حکم شرعی ندارد؛ زیرا سیره در احکام حجت نیست؛ بلکه در آنچه مرتبط به عرف است حجت است؛ مانند ظواهر کلام و شکل معاملات. لذا سیره عقلایی، چیزی را نمی‌تواند حلال یا حرام کند. ثالثاً چنین سیره‌ای در زمان معصومین هم نبوده، یعنی استفاده از مخدرات رایج و مورد سؤال نبوده است، به خصوص به عنوان یک برنامه سیاسی و اقتصادی در وسعت جهانی، تا بخواهد مورد نهی آنان قرار گیرد و دلیل آن، عدم ذکر مخدرات در اخبار است و این نشان‌دهنده عدم وجود چنین سیره‌ای است؛ زیرا ائمه (ع) به مطالبی می‌پرداختند که مورد سؤال بوده است (صدر، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۲۳۹). البته آنچه در برخی از روایات آمده، استفاده از آن جهت بی‌هوش کردن و سرقت است چنان‌که در سابق ذکر گردید.

### تطبیق قواعد فقهی

در مسائل فقهی گاه دلیل خاصی ممکن است یافت نشود، یا علاوه بر دلیل خاص، قواعد فقهی هم بر آن حکم شرعی دلالت نمایند. در رابطه با مواد مخدر اگر دلایل ذکر شده بر حرمت آن کافی و تمام نباشد، به نظر می‌رسد قواعد فقهی می‌تواند حرمت را ثابت کند. یکی از قواعد فقهی مهم که مبنای بسیاری از احکام فقهی دیگر در فقه قرار می‌گیرد، قاعده لاضرر است که شاید به عنوان یکی از مهم‌ترین قواعد بر حرمت مواد مخدر اقامه شده است.

**یکم) قاعده لاضرر**

در تبیین مفاد قاعده، نظریات مختلفی وجود دارد؛ که در حال حاضر محل کلام نیست، ولی از باب اشاره به مبانی گفته شده است که برخی، مفاد روایات نفی ضرر را نفی حکم ضرر دانسته‌اند؛ چنان‌که آخوند خراسانی می‌گوید، یا نهی تکلیفی از ایجاد ضرر مطلقاً است، حتی به نفس؛ همان‌گونه که شیخ‌الشریعه اصفهانی اصرار بر آن دارد؛ یا نفی ضرر غیر متدارک مربوط به مرحوم نراقی، یا نفی حکم به لسان نفی موضوع ضرری است (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۱۵-۲۱۶)؛ یا نفی ضرر را از باب احکام سلطانیه و حکومتی بدانیم (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۵).

طبق تمام مبانی فرایند تولید تا مصرف آن و همچنین قاچاق مواد مخدر، از صغریات قاعده مزبور است، حتی چنان‌که اشاره شد، برخی خود مواد را مستقلاً و به ذات، سم و حرام می‌دانند و ملاک حرمت آن را همین جهت می‌دانند. مرحوم محقق خوبی در این باره می‌فرماید: «تحرم السموم القاتله و کل ما یضر الإنسان ضرراً یعتد به، و منه «الأفیون» المعبر عنه بالتریاک، سواء أ كان من جهة زیاده المقدار المستعمل منه أم من جهة المواظبه علیه؛ تمام سم‌های کشنده و هر چیزی که به انسان ضرر قابل اعتنایی وارد کند حرام است؛ که از جمله آن‌ها مواد افیونی که از آن به تریاک تعبیر می‌شود، است و فرقی نمی‌کند که این ضرر از جهت مقدار مصرف آن مواد باشد و یا از جهت اعتیاد و مواظبت بر استفاده از آن باشد» (خوبی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۴۷). در نتیجه برخی بر این اساس، یعنی از باب ضرر، قائل به حرمت تکسب، معاملات، حمل و نقل و حفظ مواد مخدر شده‌اند. به‌خصوص با توجه به وسعت ضرر اجتماعی که مترتب بر مصرف مواد مخدر است. لذا حرمت آن را از باب اضرار شخصی و اجتماعی دانسته‌اند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷ق، ج ۲ ص ۱۲۳)؛ زیرا اگر حکم به اباحه آن شود، در واقع حکم به تکسب و تولید و معاملاتی شده که ضرر و زیان آن برای افراد جامعه، و حیات آنها امری مسلم است؛ بنابراین، از باب نفی حکم ضرری، حرام می‌گردد. موضوع مواد مخدر، تکسب، تولید و ...، به جز ضرر و زیان برای جامعه چیزی در بر ندارند و آن دسته از مشتقات مواد مخدر که کاربرد پزشکی دارند، نیز چنان‌چه حکم به حلیت آنها کنیم، از باب ضرورت است که باید کنترل شود؛ لذا استفاده از آن در امور طبی استثناء و ضرورت است. اگر قاعده را از باب احکام حکومتی و سلطانیه حجت بدانیم، چون ضرری بودن مواد مخدر برای جامعه و افراد آن روشن است و حتی می‌تواند تهدیدی برای حکومت باشد، از باب احکام حکومتی، محکوم به منع و حرمت است.

**دوم) قاعده حرمت اسراف**

در قرآن، اخبار و کلمات علما، از اسراف به طور مکرر سخن به میان آمده، که حاکی از حرمت آن است، به طوری که در حرمت اسراف هیچ شکی باقی نمی‌گذارد. در عین حال، بسیاری از فقها به طور دقیق به تبیین موارد و احکام جزائی آن نپرداخته‌اند؛ اگرچه برخی درصدد طرح و تحقیق در آن برآمده‌اند. مرحوم مولی احمد نراقی می‌فرماید: «بیان این قاعده از امور مهم و لازم است». وی موضوع را به عنوان قاعده حرمت اسراف طرح نموده و ابتدا وارد بیان ادله حرمت آن شده است و سپس وارد معنی اسراف می‌گردد. ایشان پانزده معنی برای آن ذکر می‌کند و سپس همه را به دو معنی ارجاع می‌دهد: انفاق در معصیت، مجاوزة الحد. سپس می‌گوید: «ان شئت عبرت عن الاخير بالانفاق المستقبح عند العقلاء او الانفاق فی غیر حاجه او فیما لاینبغی او فی غیر حقه او خلاف الاقتصاد» (نراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۶۲۴).

بر اساس هر یک از دو معنی فوق، استعمال مواد مخدر از مصادیق بارز اسراف است؛ زیرا چنانچه با ادله دیگری غیر از ادله حرمت اسراف اثبات شود که استعمال مواد مخدر حرام و معصیت است، در این صورت صرف مال برای استعمال مواد مخدر به معنای «انفاق در معصیت» مصداق اسراف می‌شود. اما اگر نتوان با ادله دیگری غیر از قاعده حرمت اسراف، حرمت آن را اثبات کرد، به معنای دوم مصداق اسراف است؛ زیرا استعمال مواد مخدر، مصرف مال در چیزی است که نزد عقلا قبیح و ناپسند است و انسان رشید خود را از مصرف مواد مخدر بی نیاز می‌داند و اساساً خلاف اقتصاد است.

آنچه در تطبیق قاعده حرمت اسراف بر استعمال مواد مخدر مهم می‌گردد، این نکته است که در کلمات برخی از فقها در باب اسراف، حکم به سفاهت مسرف و تطبیق عنوان سفیه بر وی شده است. از مرحوم مجاهد نقل شده: «فلو صرف ماله فیما لاینبغی عقلاً او شرعاً و ان کان له فائده دینیة او الدنیویة فانه مضیع لذلك المال شرعاً مبذر و سفیه؛ اگر شخصی مالش را در چیزی که عقلاً و شرعاً جایز نیست؛ صرف کند، اگر چه یک فائده دینی و یا دنیوی هم داشته باشد؛ ولی او مبذر و سفیه محسوب می‌شود» (سلمان‌پور، ۱۳۸۲). در بررسی حکم وضعی استعمال مواد مخدر و مجازات آنها با توجه به همین نکته، می‌توان بحث سفاهت فرد معتاد را مطرح نمود و توقیف کلیه اموال و سپردن آنها به قیم قانونی و حاکم شرع را مورد بررسی قرار داد.

### سوم) قاعده حرمت مقدمه حرام

یکی از احکام کلی و قواعد فقهیه، حرمت مقدمه حرام است. مقدمه حرام گاهی سبب فعل حرام می‌شود و گاهی شرط و زمینه فعل حرام را فراهم می‌کند. در صورت اول مقدمیت و به تبع، حرمت آن محرز است. در صورت دوم، مرحوم ملااحمد نراقی دو فرض قائل شده است: اول اینکه، شخص، مقدمه را به قصد تحقق فعل حرام انجام می‌دهد که این فرض نیز حرام بوده و مرحوم نراقی در حرمت این فرض، نفی خلاف نموده است. دوم اینکه، قصد تحقق حرام را ندارد، در این فرض مقدمه را نمی‌توان حرام دانست (نراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۱۳). مصرف مواد مخدر - صرف نظر از حرمتی که با سایر ادله بر آن بار می‌شود - اگر نگوئیم از باب سببیت فعل حرام مقدمیت دارد، می‌توان گفت که از مصادیق مهم ارتکاب مقدمه حرام - از باب شرط و زمینه فعل حرام به قصد تحقق فعل حرام - است. بیان مقدمیت به این صورت این است، که اگر چه مصرف‌کننده در ابتدا قصد وقوع در مهالک حرام یا ارتکاب مجرماتی مانند دزدی، قتل، ترک واجبات شرعی، سوءاستفاده از نزدیکان، مفاسد جنسی و... را ندارد؛ اما امروزه اعمال حرامی که اکثر معتادین پس از مصرف یا برای دستیابی به مواد، مرتکب می‌شوند و مهالک حرامی که برای خود فراهم می‌کنند و آگاهی از این عاقبت و پیامدها، کفایت از قصد آنان برای این قبیل افعال حرام می‌کند. لذا می‌توان استعمال مواد مخدر را از باب مقدمه حرام به معنی دوم، یعنی شرط تحقق آن دانست و با توجه به اینکه معتاد و مصرف‌کننده، علم به پیامدهای حرام استعمال و اعتیاد به مخدر دارد - که در پاره‌ای موارد، ناگزیر از آنها است - همین علم را به منزله قصد، تلقی کرد و حکم به حرمت آن نمود.

### حرمت تولید، معاملات و قاچاق مواد مخدر

با توجه به بیان حرمت استعمال مواد مخدر و عدم فایده عقلانی مصرف آن و مفساد اجتماعی فراوان آن، حرمت تولید، حمل و نقل و قاچاق آن نیز، تا حدودی روشن می‌گردد و با توجه به قواعد فقهی، احکام تکلیفی و وضعی در این زمینه هم قابل اثبات است. در نتیجه، قاچاق مواد مخدر و معاملات آن را می‌توان از مصادیق و صغریات قواعد و احکام کلی فقهی متعددی دانست که به برخی موارد اشاره می‌شود:

#### یکم) قاعده حرمت اعانت بر اثم و عدوان

بر حرمت معاونت در گناه و حرام، علاوه بر آیه «ولا تعاونوا علی الاثم و العداون» (مائده، ۲)، حکم عقل و اخبار مستفیضه فراوانی در موارد خاص دلالت دارد و افزون بر این، اجماع علما بر حرمت آن منعقد است و براساس این قاعده فتوا داده‌اند. در تحقق معاونت باید عمل و فعلی از شخص سربرزند که در وقوع یا اکمال و تمامیت جرم و گناه، نقش داشته باشد. بی‌شک تولید و قاچاق مواد مخدر با توجه به عدم فایده عقلانی و ضرر آن، از مصادیق روشن معاونت بر اثم و عدوان است؛ زیرا تولید کننده و قاچاقچی، هم علم و هم قصد دارند، که مواد مخدر در نهایت به مصرف معتاد می‌رسد.

#### دوم) قاعده حرمت مقدمه حرام

چنان‌که بیان شد، یکی از قواعد و احکام فقهی که فقها مبنای فتوا در موضوعات مختلفی قرار داده‌اند؛ حرمت مقدمه حرام است. اگر عملی سبب تحقق فعل حرام و گناهی باشد، خود آن عمل از این باب حرام می‌شود؛ چنانکه اگر شرط و زمینه وقوع حرام گردد، به شرط اینکه شخص قصد حصول آن حرام از فعل مقدمه را داشته باشد، باز حرام است. قاچاق مواد مخدر را حتی اگر به عنوان سبب عمل حرام استعمال مواد مخدر ندانیم و نیز اگر سبب جرائمی که معتاد مرتکب می‌شود، به حساب نیاوریم؛ باز هم اولاً، می‌توان زمینه و شرط استعمال مواد مخدر و حتی شرط برخی از جرائم معتاد در دستیابی به مواد تلقی کرد. ثانیاً، در موارد بسیاری قاچاق مواد مخدر، در انجام شدن جرائم متعددی غیر از جرم استعمال و جرائم معتاد، به نحو سببیت و شرطیت توأم با علم و قصد برای تسهیل و انجام قاچاق، مداخلت دارد؛ که قتل، دزدی، رشوه، فریب، تهدید و ناامنی نمونه آنهاست؛ بنابراین، حرمت از این باب نیز می‌تواند مورد تأیید و تأکید قرار گیرد.

#### سوم) قاعده نفی سبیل

از دیگر قواعد مهم فقهی که هم آیات قرآن و هم اخبار مستفیض و هم اجماع بر آن اقامه شده، «قاعده نفی سبیل» است. «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً» (نساء، ۱۴۱). فقها در موارد کثیری، قاعده نفی سبیل را مبنای استنباط احکام فرعی که بیشتر متناسب به وضعیت سیاسی است، قرار داده‌اند. میرزای شیرازی در نهضت تنباکو و علمای زمان فتحعلی شاه در جهاد علیه روسیه، با استناد به این آیه و برداشت قاعده نفی سبیل، حکم تحریم و جهاد صادر کردند. حرمت هر عملی که سبب شود، دشمنان دین و یا غیر مسلمان راهی برای سلطه و ولایت بر مسلمانان یا مسلمانان پیدا کنند، طبق این قاعده روشن است. گاهی قاچاق مواد مخدر با انگیزه‌های سیاسی از جانب دشمنان اسلام همراه است.

حتی اگر چنین انگیزه‌هایی وجود نداشته باشد، از آثار شیوع مواد مخدر، زوال اراده دفاع از دین و حریم است که در این صورت، سبیلی برای دشمنان دین و اسلام فراهم می‌گردد. علاوه بر این، ممکن است فرد معتاد به جهت از دست دادن غیرت دینی، به سهولت به معاملاتی که موجب ولایت کفار و دشمنان دین می‌شود، تن دهد و در مواردی حاضر به همکاری با اجانب شود. بنابراین، اگر چه در جمیع معاملات، موضوع سبیل قطعی نیست؛ اما از آنجا که زمینه‌ساز اعمال ولایت کفار و سلطه دشمنان دین است و در پاره‌ای از موارد، سبب تحقق سبیل کفار و دشمنان دین می‌شود، به نظر می‌رسد برای صدق موضوع قاعده، کافی باشد. در نتیجه، چنین اعمالی حرام و دارای آثار وضعی است. با توجه به مباحث و دلایل ذکر شده، حرمت تولید، خرید و فروش، حمل و نقل، قاچاق و مصرف مواد مخدر روشن گردید و بر اساس آن آثار و احکام وضعی مانند توقیف اموال، اجرای مجازات‌های تعزیری و حتی حدی مانند اعدام، از باب مفسد فی الارض قابل بحث و اثبات است.

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی فقهی مراحل تولید تا استفاده مواد مخدر از جهت حکم تکلیفی و وضعی، صورت گرفت. پس از بررسی آیات و روایات موجود، مبانی فقهی مواردی که به نوعی با مواد مخدر تشابه دارند، استخراج شد. سپس آرای علما در مورد این مهم بررسی گردید. این پژوهش در نهایت توانست، نتایج زیر را قابل ارائه نماید:

- هرچند به علت عدم رواج مواد مخدر و استعمال آن در زمان شارع در کتاب و سنت، به حکم آن به صورت خاص پرداخته نشده است؛ ولی دلایل فراوانی از آیات و روایات برای اثبات آن وجود دارد.
- در قرون متأخر، دامنه مصرف فردی و بحث از مواد مخدر از حد مباحث فردی توسعه یافته و جنبه‌های اجتماعی آن به خصوص در زمینه سیاسی و اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.
- بحث از قاچاق و تهریب مواد مخدر با توجه به حرمت و ضررهای فردی و اجتماعی، به خصوص در بین کشورهای اسلامی در بین فقهای معاصر دارای جایگاه ویژه بوده است و هر یک از فقهاء با مبانی خاص، حکم به حرمت آن داده‌اند.
- برخی از آیات، طبق برخی از مبانی فقهی، احکام تکلیفی و وضعی‌ای را در حرمت و امور دیگر به اثبات می‌رسانند.
- عمده دلیل بر حرمت مواد مخدر، تمسک به قواعد فقهی‌ای همچون قاعده لاضرر است؛ گرچه مبانی آن در بین فقهاء مختلف است.
- اشکال و نقد برخی از ادله ذکر شده توسط برخی از فقهاء، لطمه‌ای به اصل اثبات حرمت و ترتب برخی از احکام وضعی نگردید.

## منابع

## قرآن کریم.

- ابن براج، عبدالعزیز (۱۴۰۶ق). *المهذب*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۲.
- اسعدی، حسن (۱۳۷۲). *دو مشکل مهم جهانی در آستانه قرن بیستم*. تهران: بی نا.
- اصفهانى (فاضل هندى)، بهاءالدين (۱۴۰۵ق). *كشف اللثام*. قم: منشورات مکتبه السيد المرعشى النجفی، ج ۱.
- امام رضا (ع) (۱۴۰۶ق). *فقه الرضا*. مشهد: مؤسسه آل البيت (ع).
- انصاری، حمیدرضا؛ غلام جمشیدی، محمدحسین (۱۳۹۲). *بررسی فقهی و حقوقی استعمال مواد مخدر*. دانش انتظامی، سال ۲، شماره ۷.
- بجنوردی، سید میرزا حسن (۱۴۱۹ق). *القواعد الفقهیه*. بی جا: انتشارات دلیل ما، ج ۱.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعہ*. قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ج ۲۵.
- حلی (ابن ادریس)، ابی جعفر (۱۴۱۰ق). *السرائر*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۳.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق). *تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیة (ط - الحدیثة)*. قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ج ۵.
- حلی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵ق). *الجامع للشرایع*. قم: مؤسسه سید الشهداء.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۷ق). *اجوبه الاستفتائات*. بی جا: دارالوسیله، چاپ دوم، ج ۲.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۸۵). *الرسائل*. قم: مؤسسه اسماعیلیان، ج ۱.
- خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۰ق). *التنقیح (تقریرات میرزا علی غروی تبریزی)*. قم: دارالهادی، چاپ دوم، ج ۲.
- سلمانپور، محمدجواد (۱۳۸۲). *مبانی فقهی حرمت استعمال و قاچاق مواد مخدر و جرایم مربوط به آن*. فقه اهل بیت، شماره ۳۵.
- صدر، سید محمد (۱۴۲۰ق). *ماوراء الفقه*. بیروت - لبنان: دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزیع، ج ۷.
- صدر، محمدباقر (۱۹۸۰م). *دروس فی علم الاصول*. بیروت: دارالکتب اللبنانیة، ج ۲.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۶ق). *علل الشرائع*. قم: کتابفروشی داوری، ج ۲.
- طباطبایی، سید محمدحسین (بی تا). *تفسیر المیزان*. قم: انتشارات جامعه مدرسین، ج ۱.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۰ق). *النهاییة فی مجرد الفقه و الفتاوی*. بیروت: دارالکتب العربی، چاپ دوم، ج ۷.
- عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱ق). *مدارک الأحكام فی شرح عبادات شرائع الإسلام*. بیروت: مؤسسه آل البيت (ع)، ج ۶.
- معین، محمد (۱۳۷۶). *فرهنگ معین*. تهران: موسسه امیرکبیر، ج ۳.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *المفینة (للشیخ المفید)*. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ۶.

موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۴۲۷ق). *فقه الحدود و التعزیرات*. قم: مؤسسه النشر لجامعه المفید، چاپ دوم، ج ۲. مولایی، شیما؛ برزگر، عبدالرضا (۱۳۹۴). *آسیب شناسی جرایم گمرکی از دید فرهنگی - اجتماعی و سیاسی*. در: دومین همایش ملی عدالت، اخلاق، فقه و حقوق.

نراقی، مولی احمد (۱۴۱۷ق). *عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

نوری، میرزا حسن (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل*. بیروت: مؤسسه آل البيت (ع)، ج ۱۷.